

عصرطلانی امپراتوران بزرگ موریائی هند و

اثرات فرهنگی ایران هخامنشی و دیانت زرتشتی در کلمون این دوره

تحلیل دقیق روابط دامنه‌دار ایران و هند در عصر هخامنشی براساس: فرضیه دکتر اسپونر هند شناس معروف انگلیسی و بررسی‌های عالمانه دکتر جیوانجی مدی ایران‌شناس پارسی هند در تأیید این فرضیه همراه با تاریخچه‌ای مختصر از روابط ایران و هند، در اعصار باستان

(۷)

ترجمه، تهیه و تدوین: مهدی غروی
با همکاری مؤسسه خاورشناسی کاما، بمبئی، هند

فرهنگنامه و ملاحظات

و تفسیر دارد، درین مختصر که بدان عنوان فرهنگنامه داده شده است، تعریفهای خاص هندی واسامی کتابها و نویسندگان و جاها را گرد آورده‌ایم، درباره تعریفهای خاص بسیار باختصار کوشیده شده است و کتابها و نویسندگان و جاها را نیز در حداقل تعریف، بررسی کرده‌ایم، چون اگر می‌خواستیم به تعریف کافی و جامع بپردازیم فرع از اصل بزرگتر ارائه می‌شد و باعث خستگی خوانندگان می‌گردید. در تهیه و تکمیل این فرهنگنامه خود را مرهون دو استاد دانشمند و دوست عزیز خود می‌دانم نخست پروفیسور کانکا دبیر کل مؤسسه شرقشناسی کاما و استاد زبانهای ایرانی در دانشگاه بمبئی و دیگری پروفیسور اوپادیا استاد سانسکریت و هندشناس در خانه فرهنگ هند، خانه فرهنگ هند سالهاست که تأسیس شده و مؤسس آن پروفیسور منشی یکی از بزرگترین هند شناسان جهان بود که سال گذشته فوت کرد، معرفی این مؤسسه و مؤسسه کاما که هر دو در نوع خود بی‌نظیر اند، مجال و فرصتی دیگر می‌خواهد و درین جا هدف من فقط سپاسگزاری ازین دو دوست دانشمند است. از اسامی خاص آنها که متعلق به آئین هندی و کیش بودائی بوده‌اند معرفی شده‌اند، درحالیکه از معرفی آن نامها که برای خوانندگان معروف بوده‌اند خودداری شده‌است.

آثروودا Atharvaveda . یکی از وداها که آثار فرهنگ ایران در آن فراوان است .

در تهیه و تنظیم این گفتار، کوشش شده‌است که مطالب هر چه ممکن است ساده و صریح باشد، مقاله دکتر اسپونر در نوع خود بسیار سنگین و علمی است و نویسنده که خاورشناسی بنام و زبانهای جنوب و شرق آسیا را بسیار خوب می‌دانسته است در نقل جمله‌ها و کلمه‌های غیر اروپائی، تعهد داشته است که اصل کلمه یا جمله را نقل کند، لذا مقاله وی مملو است از جمله‌ها و کلمات چینی و سانسکریت، در بعضی موارد بسیار بحاشیه می‌رود و مطلب را کش می‌دهد، درین ترجمه از نقل جمله‌ها و کلمات به زبان اصلی خودداری شده و هر جا هم که نویسنده در از نویسی می‌کند باختصار گرائیده شده است. اسپونر در سراسر مقاله مفصل خود هرگز عنوانی جز عنوان اصلی ذکر نکرده و فقط مقاله خود را بدو بخش کرده است که هر بخش در یک شماره از مجله چاپ شده، درین ترجمه نیز ما چنین کرده‌ایم و مقاله در دو قسمت آورده شده‌است. مقاله مودی که بسیار مفصل و جامع است برخلاف مقاله اسپونر پر است از عنوانهای فرعی و تقسیمات گوناگون که کوشش شده‌است این اصالت نیز حفظ شود و فقط در بعضی موارد از جمله جائیکه درباره آثار زرتشتی کشف شده در تاکنشیا سخن پردازی می‌کند و آنجا که اثرات ایرانیان بر سایر ملل را می‌شمرد از ترجمه آن خودداری شده‌است. با تمام این کوششها در سراسر این گفتار اسامی و تعاریف خاصی ذکر شده که نیاز به تشریح

آجاتاشتر و Ajatashtru . پسر بیمیسارا دومین پادشاه هند (در عصر تاریخی) (۴۶۲ - ۴۹۳) پسر بیمیسارا و معاصر داریوش و خشایارشا .

آرتاشاسترا Arthashastra . مجموعه‌ای است درسیاست و اداره مملکت که در نوع خود یکی از مهمترین متون قدیم هند است و در کتابهای متعدد از آن بعنوان منبع موثق نقل شده است ، ولی متن اصلی آن در اوایل قرن حاضر کشف شد ، مصنف آن جاناکیا (به کائوتیلیا و وشنوگوپتا Vishnugupta نیز ملقب بوده است) وزیر چاندرا گوپتاست حاوی ۱۵۰ فصل که در آخر هر فصل چاناکیا خود را به شعر از عوامل سقوط نانداها می‌داند ، متن و ترجمه انگلیسی آن توسط شاماساتری R. Shamasatry در ۱۹۱۹ در میسور Mysore منتشر شد . آریان Arrian . مورخ یونانی (قرن دوم میلادی) Ancient India as described by Megasthenes and Arrian. Trans. By I.W. Mc Crindle 1877 Arrian Anabasis Indica Ed. by A. G. Ross. Leipzig 1907.

آسورا Asura . ازخدایان آئین هندوست . دکتر گوش B.K. Ghosh P. Hd (Munich) D. Litt (Paris) استاد دانشگاه زبانشناسی در دانشگاه کلکته در مقاله خود تحت عنوان: روابط ایرانیان وهندیان در کتاب تاریخ مردم و فرهنگ هند درباره آسورا می‌نویسد که آسورا از يك تمدن و فرهنگ قدیمی‌تر اخذ شده‌است و در حاشیه مقاله خود اشاره می‌کند به مطلبی که در همین مورد در ص ۳۳۹ جلد هفتم مجله Indian Culture چاپ کلکته نوشته است ، وی اصل کلمه را آسوری می‌داند که در عصر کاسیت‌ها وارد فرهنگ هند و ایرانیان شده است ، نگاه کنید به مجله آسیائی سلطنتی سال ۱۹۱۶ مقاله Thomas ص ۳۶۲/۶۶ و تاریخ و فرهنگ مردم هند جلد اول ص ۲۲۳ قبایل آسورا ص ۲۵۴ . The history and Culture of the Indian people Ed. R.C. Mujumdar

آسوراجاراساندا Asurajarasandha . پادشاه ماگدها در عصر کرشنا .

آسوراکورو Asuraguru . (معلم اسورا) از القاب ستاره زهره در ادبیات کلاسیک هند .

آشوکای کبیر Ashoka The Great . بالقب شادی‌افزا Ashokavardhana (سومین امپراتور از موریا نئی هند ۲۳۶ - ۲۷۳ پیش از میلاد) نگاه کنید به تاریخ فرهنگ مردم هند ج ۱ ص ۷۱ .

در کتیبه‌ها لقب وی : King Devanampriya priyadarsin . آهاسوروس Ahasuarus . لقب خشایارشا در تورات . اثروان Atharvan . یک رتبه روحانی در هند باستان .

اثروان گیسروس Atharavangirusas . نام دیگر اثرواودا . نگاه کنید به Dr. Haug's Essay on Parsis . ارجونا Arjuna . از قهرمانان اساطیری هند که در ارا بهرانی و تیراندازی استاد بوده است (کتاب مهابهارت) . اردویسورا آناهیتا Ardevisura Anahita . لقب ایشثار در اوستا ، یونانیان بدان افرودیت یا ونوس می‌گفتند . اردهودرفشام Eredhvo-drapsham . لقب شهر بلخ که در اوستا ذکر شده‌است . اریا Oriya . از گروه زبانهای هندی .

اسپونر دکتر د. ب. Spooner Dr. D.B. دانشمند انگلیسی که پس از مارشال کفیل باستانشناسی هند شد و مقاله عصر زرتشتی در تاریخ هند مجله آسیائی سال ۱۹۱۵ و تحقیقات و کشفیات وی درباره موریا نئیها معروف است .

استرابو (استرابون) Strabo . دانشمند و جغرافی‌دان یونان (۲۵ م - ۶۳ ب) نخستین کسی که در راه تدوین دائرةالمعارف جغرافیائی قدم برداشت کتاب وی The Geography of Strabo ترجمه Hamilton & Falconer 1854 . استولزو اندر آس Stolze and Andreas . تخت جمشید Perspolis

اسکیث‌ها Scythians . اقوام شمالی که بنظر هردوت همان سکاها هستند .

اسکیثالیوس Scythianus . یکی از القاب بودا . اسکیلاس Scylax . یا اسکیلاکس دریانورد و سردار یونانی که در خدمت داریوش بود و برای کسب اطلاع از راه کشمیر وارد رود سند شد و بخلیج فارس آمد و بر طبق گزارش وی بود که داریوش هند هخامنشی را تصرف کرد .

اسمیت دکتر وینست Smith, Vincent, A. The Early History of India from 600 B.C. to The Mohmadan Conquest, 1908 London . و نیز کتابهای :

Ashoka, Edicts of Ashoka, History of Fine Arts in India and Ceylone.

مقاله وی : (Persian Influence on Mauryan India) in Indian Antiquary 1905.

و نیز : Ashoka notes Indian Antiquary Sept. 1905. اشپیگل (دانشمند آلمانی)

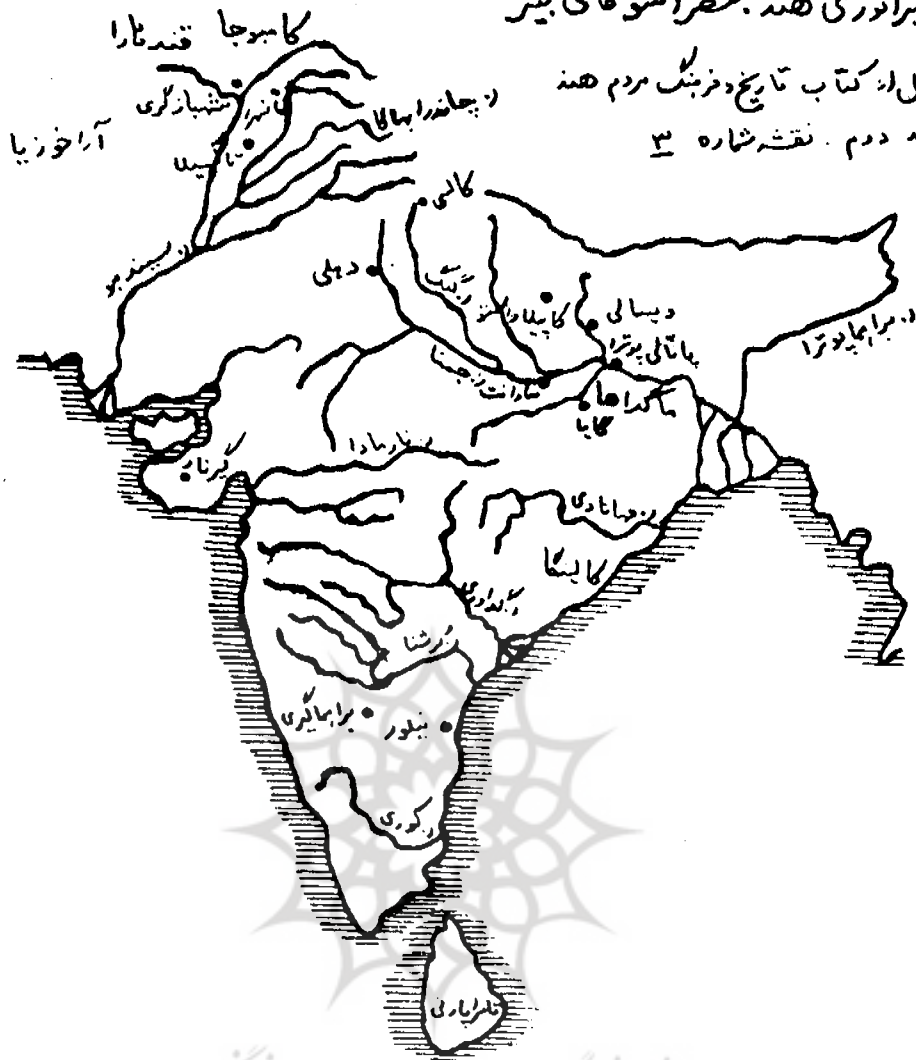
Speigel, Dr. Fredrich Eraniseh اشاووهشت Ashavahasht . نام یک فرشته .

اکسو Aksu . شعه رود جیحون که نامش از یک نام اوستائی (اردویسورا آناهیتا) مشتق شده .

اکسوس Oxus . نام قدیمی رود جیحون .

ایراندوزی هند. عصر آشتوگای کبیر

نقل از کتاب تاریخ و فریبک مردم هند
جلد دوم. نقشه شماره ۳



شؤبشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اون والا Unvala, Dr. J. M. . دانشمند بزرگ هند
(پارسی) ۱۹۶۱ - ۱۸۸۸ شرح حال و آثار وی نگاه کنید
به یادبودنامه اونوالا چاپ بمبئی ۱۹۶۴ .

اونگا Avyanga . در اوستا : aiwayaovghana
امروز بدان کوستی می گویند .

ایران لیگ مجله Iran League Quarterly مجله ای
است که گروهی از پارسیان پس از تشکیل انجمن ایران لیگ
منتشر کردند .

ایر یو دانگاو Airyavo Danghau . لقبی که زرتشتیان
در اعصار باستان بخود می دادند نگاه کنید به دائرةالمعارف
بریتانیکا چاپ نهم جلد ۱۸ مقاله : Persian Language &
Literature .

الدهام Oldham . کمیونر پتنا که اسپوئر را در کار
تحقیقاتی بزرگ خود کمک کرد .

امباتاراجن Ambatta-rajana . از پادشاهان اساطیری
هند .

اینگریس Angirasas . یکی از ودهای منسوب به
شاکادوپیا . نگاه کنید به ص ۲۸۰ و ۲۹۱ تاریخ و فرهنگ مردم
هند ج ۲ .

انویک شیکسی Anvikshiki . قسمتی از کتاب ارتاشترای
چانکیا نگاه کنید به ص ۳۰۳ ج ۲ کتاب تاریخ و فرهنگ مردم
هند .

اوالو کیتشوارا Avalokitesvara . یک وجود آسمانی
و معنوی در آئین بودا .

بهرام ورجاوند Behram Varjavand . منجی در آئین زرتشتی که در هند ظهور خواهد کرد نگاه کنید به یادنامه کاما تصحیح مودی ص ۱۲۷ .

بیاس Bias . برهن خردمند هندی که پس از زرتشتی شدن چنگر گج به ایران آمد و وی نیز زرتشتی شد و به هند بازگشت نام وی در دبستان المذاهب . محسن فانی و دستاویز چاپ بمبئی ۱۸۱۸ آمده است .

بیل ساموئل Beal, Samuel . مترجم سفرنامه هیون تسیانگ به انگلیسی . Buddhist records of the Western World, London 1884 .

بیمبیسارا Bimbisara . نخستین پادشاه در عصر تاریخی هند (۴۹۳ - ۵۴۴) معاصر با کوروش ، کمبوجیه و داریوش .

بیندوسارا Bindusara . دومین پادشاه از موریا بیهیای هند پسر چندرا گوپتا و پدر آشوکا ۲۷۳ - ۳۰۰ پیش از میلاد .

پاتالی پوترا Pataliputra . پایتخت باستانی هند (بمعنی پسر گل شیپوری) مرکز حکمرانی امپراتوران موریائی . درین شهر که در نزدیک پتنا در بهار قرار دارد چندرا گوپتا و آشوکا بناهای بزرگی بر پای داشتند ، دکتر وادل ، اسپونر و چند دانشمند هندی درین شهر حفاری کرده اند . درباره تاریخچه آن نگاه کنید به قسمت اول مقاله دکتر مودی در مجموعه مقالات آسیائی وی ج ۱ ص ۲۱۵ که بطور اختصار در ابتدای ترجمه مقاله وی نیز نقل شده است .

پاتانجلی Patangali . Yoga Sutras of, Ed. with the commentary of Vyasa and the Gloss of Vaehaspati by R. Bodas, Bombay 1892.

پارشو Parshu . نام پارسیان که در در ریگ ودا ذکر شده است نگاه کنید به مقاله شاترجی J.M. Chaterji مجله ایران لیگ ژانویه ۱۹۴۵ .

پانی نی Panini . مفسر معروف متون سانسکریت نگاه کنید به جلد اول تاریخ و فرهنگ مردم هند .

پرابدها کاندرو دایا Prabodhacandradaya . از متون باستانی هند .

پراسیا Pracyah . از اقوام قدیمی هند که در متون سانسکریت مکرر نامشان آورده شده است گروهی متفاوت با سایر آریانها که بنظر دکتر اسپونر همان پارسیها بوده اند .

پراگی یوتیشا Pragi-yutisha . از پادشاهان اساطیری هند .

پرت و چیس Perrot, E. Chipiez, C. History of Art in Persia, London 1892.

پروتو Pruthu . نام باستانی اقوام پارسی که در ریگ ودا

ایشتار Ishtar : الهه بزرگ در جهان باستان نگاه کنید به دائرة المعارف فارسی تحت عنوان عشتار و هیردوت را ولینسن کتاب اول ضمیمه آن .

ایندرا Indra . پادشاه و سرکرده خدایان طبیعی بود در مقابل وارونا که بر موجودات مقدس آسمانی ریاست داشت نگاه کنید تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۱ ص ۲۲۵ و ص ۳۷۳ .

ایندراجی Indrajī Pandit Bhagvanlal . مقاله وی درباره سکه های قدیمی هند در Journal of B.B.R.S. Society Vol. XII.

بارتلمه Bartholome Wartebuch . از اقوام باستان هند اساطیری که در مهابهارت از ایشان نام برده شده است .

بام - یک Bam-yik . کلمه ای است تبتی که به تصور دکتر مدی از بامیان در افغانستان کنونی مشتق شده و از آثار نفوذ ایران باستان بر تبت است .

بانرجی Banerjia Pramthanat . Public Administration in Ancient India.

باهلیکاها Bahlikas . از اقوام باستانی هند که در انرواودا از ایشان نام برده شده است .

بریهاسپاتی Brihaspati . نام ستاره مشتری در هند باستان .

برون هوفر دکتر Brunnhuffer . IRAN and TURAN

بلسارا Bulsara Pestonji P. دانشمند پارسی نویسنده کتاب ایران و نقش آن در تکامل تمدن بشری

Ancient Iran: its contribution to human progress. Persia, London 1888. Benjamin S.

بوده گایا Bodh-gaya . در جنوب پتنا نزدیک اورنگ آباد زیارتگاه معروف بودائیان .

بهارات Bharat و بهارات ورشا Varsha ، اقلیم بهارت نام رسمی و قدیمی کشور بزرگ هند است .

بهاگا Bhaga . در سانسکریت بمعنای خداست و معادل آن در اوستا باگا .

بهندارکار Bhandarkar, R.G. دانشمند هند و نویسنده کتاب آشوکا

A Peep into early, Asoka History of India, from the foundation of Maurya Dynasty to the downfall of the Gupta dynasty Bombay 1920.

بهاگولپور Bhagulpur . ناحیه ای در کنار رودخانه گنگ در مشرق پتنا .

بهاویشیا پورانا Bhavishya Purana . یکی از پوراناها ، متون کلاسیک تاریخی هند نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۱ ص ۲۷۲ .

پوراهیتا Purahita. امتیازی که خاص روحانیان در هند قدیم بوده است.

پوشیاپور Pushyapur. نام قدیمی شهر پاتالی پوترا بمعنی شهر گل.

پیاداسی Piyadasi. آشوکا دو لقب داشت پیاداسی و دو انمپیا Devanampiya که هر دو القاب مذهبی بوی بوده است ولی بعضی از دانشمندان معتقدند که نام اصلی وی پیاداسی یا پیاداری بوده است و پس از بودائی شدن آشوکا یا دارماشوکا Dharmasoka نامیده شده نگاه کنید به مجله آسیائی جلد ۳۲ ص ۶ - ۱۴۳ در میان جانشینان آشوکا شخصی بنام پیادسی که اسپونر بدان اشاره کرده است وجود ندارد. نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۲ عصر وحدت امپراتوری The Age of Imperial Unity.

تاورین Taurine. علامت برج ثور در هند قدیم که با علامت رسمی ایران باستان تطابق دارد. نگاه کنید به اسمیت کاتالگ سکه های موجود در موزه های هند.

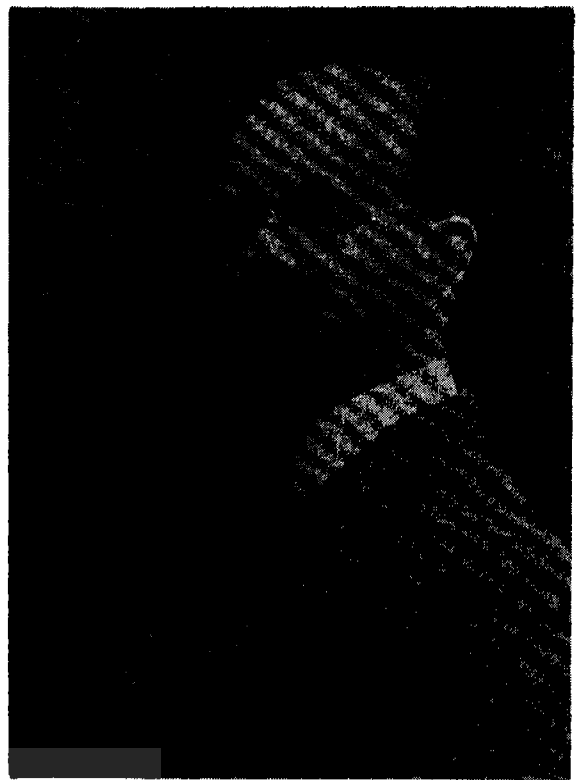
تاتا سر راتان Tata, Sir Ratan. سرمایه دار معروف هند، پارسی، صاحب کارخانهای ذوب آهن و تأسیسات بشمار، نخستین فرد معروف این خاندان جمشید جی تاتا بود نگاه کنید به مردان بزرگ هند Great Men of India. Bush Bruck Williams راتان تاتا در سال ۱۹۱۵ مبلغ بیست هزار روپیه برای کندوکاو در پاتالی پوترا پرداخت کرد و با همین اعتبار بود که دکتر اسپونر تالار آشوکا را کشف کرد.

تاراچند دکنر Tarachand. دانشمند معاصر هند استاد تاریخ در دانشگاه الله آباد مصنف کتاب The Influence of Islam in Iranian Culture, Allahbad, 1954. در ایران ورئیس انجمن ایران و هند.

تاکسیلا Taxila. تاکشاسیلا Takshasila در پنجاب حوالی راولپندی در کنار قریه شاه دری واقع شده بسیار قدیمی و ساختمان آن منسوب است به بهارات پادشاه اساطیری هند. سرجان مارشل باستان شناس انگلیسی درین نقطه کتیبه ای کشف کرد که بر طبق آن این قسمت جزو قلمرو داریوش بوده. تاکسیلا در ۳۳۶ توسط اسکندر فتح شد و چهار سال بعد به تصرف چاندرا گوپتا درآمد پس از آشوکا مرکز امرای شاکا و پهلوا شد نگاه کنید به مقاله مودی درباره پاتالی پوترا قسمت اول مربوط به کشف آشوکده ای در تاکسیلا.

ترایاس تریسا Trayastrimsa. بهشت بودائیان. تریتریایا ارانیاکا (مجموعه) Traittirya Aranyaka. نگاه کنید به تاریخ ادبیات باستانی سانسکریت الله آباد.

تشن Tashan. یکی از القاب اهورامزدا یعنی سازنده: یسنا ۲۹ شماره ۲ و بسنا ۴۹ شماره ۹. توشاسپ Tushasp. نایب السلطنه نواحی شمال غربی



دکتر اسپونر کشف آثار شگفت انگیز امپراتوران موربائی هند در پاتالی پوترا و مقاله انقلابی وی درباره نفوذ تمدن و فرهنگ ایران هخامنشی بر هند باستان

ذکر شده است نگاه کنید به مقاله شاترجی J. M. Chaterji در مجله ایران لیگ ژانویه ۱۹۴۵: References to Parsis in the Rigveda

پلینی Pliny (Plinius). در مآخذ اسلامی بلیناس (۲۳ - ۷۹ میلادی) طبیعی دان که کنار کوه وزو هنگام بررسیهای علمی خفه شد کتاب وی در ۳۷ مقاله است Pliny's Natural History Book II Ch. 21, Bostock & Rley's Trans. 1855. خواهرزاده وی نیز که خطیب و سیاستمدار بود پلینی کوچک لقب دارد.

پنان توماس Pennant, Thomas. (۱۷۹۸ - ۱۷۲۶) Outlines of the Globe 1798.

پورانا Purana. يك سلسله کتابهای بسیار قدیمی که از قدیمترین اعصار اساطیری هند بعنوان تنها مرجع مطالبی را دربر دارد اگرچه مهابهارت و رامایانا نیز چنین مطالبی را جسته گریخته دارا هستند اما این کتابها حاوی تاریخ سنتی هند تا عصر پاراکشیت می باشند (قرن سوم پیش از میلاد) عصر تدوین پوراناها را نمی توان زودتر از دوران سلطنت گوپتاها دانست بنابراین پوراناها محتوی وقایع و مطالبی است متعلق به ۲۰۰۰ سال پیش از تدوین خود منابع. نگاه کنید به تاریخ فرهنگ و مردم هند ج اول ص ۲۷۱.

دوم ۵۰۲ - ۴۹۴ .

خاراشتی Kharashti . رسم الخط اصل آن آرامی است و دبیران ایرانی در عصر هخامنشیان از آن استفاده می کردند. آشوکا نیز در چندین کتیبه خود ازین رسم الخط استفاده کرد . این خط برخلاف رسم الخطهای هندی که هم از چپ بر راست نوشته می شود وهم از راست بچپ نوشته می شود ابتدا بدان هندی باختری Indo-Bactrian یا اریانوالی Ariano-Pali می گفتند و بوهرلر هندشناس نامی بدان خاراشنی خطاب کرد نگاه کنید به کتیبه های آشوکا E. HULTSH. Inscriptions of Asoka Delhi, 1969 و اثر پروفیسور جانسون درباره گرامر و خصوصیات خط خاراشتی چاپ Upsala - ۱۸۹۴ و Leide ۱۸۹۲ .

خاسا Khasa . از قبایل خارج از کاست در هند باستان . **داخو و داهویو** . شکل اوستائی و پهلوی ده که در ساسکریت دس و در هند جدید دس است . **دارمستتر Darmesteter** . دانشمند فرانسوی . **داس Das, A. G.** دانشمند هند و مصنف فرهنگ ودائی Vedic Culture .

داسیو Dasyu . شکل هندی کلمه داهویو یا داخیوی ایرانی . **داس بهادر Das Bahadur, Rai Sarat Chandra** و مقاله وی Contributions on the religion, History of Tibet. Journal of the Bengal Asiatic Society Vol. L. Part I در 1881 P. 213. که داستان نخستین پادشاه تبتی را که سرگذشتی شبیه کوروش دارد شرح می دهد و آنرا دلیل بر نفوذ ایران بر تبت میدانند .

داناواپوجی تا Danavapujita . (معبود دانوا) از القاب ستاره زهره در ادبیات کلاسیک هند . **داناواها Danavas** . یکی از اقوام خارجی در هند . دیگران عبارتند از : Rakshasas, Vanaras, Asuras, Dattiyas, Nagas, Nishadas, Dasyas, Dasas, Pulindas, Sakas, Yavanas, Kambojas, Paradas and Pahlavas

این اقوام بیشتر از سوی غرب می آمدند اسپونر بعضی ازین گروه از جمله داناواها را ایرانی و پارسی می داند نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند جلد دوم ص ۳۱۷ . **دانگو Danghu** . بمعنی آبادی نگاه کنید به: Yasht XIII P. 143 .

دانو Danu . در اوستائی بمعنی رود است . **داور Davar, F. C.** دانشمند معروف پارسی هند و نویسنده کتاب ایران و فرهنگ ایران چاپ بمبئی ۱۹۵۳ Iran and its Culture .

و غربی امپراتوری آشوکا (ناحیه ای که می توان بدان هند هخامنشی اطلاق کرد) که ایرانی بوده است . **توشیتا Tushita** . بهشت بودائیان .

توماس داکتر Thomas, P. Epics, Myths and Legends of India, Bombay. **تیلک Tilak, Lokmanya** دانشمند هندی نویسنده مقاله The Asectic Home in the Vedas. نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند ج نخست ص ۳۷۳ . **جادی رانا Jadirana** . نام پادشاهی که پارسیان هنگام ورود بخدمتش رسیدند و بایشان اجازه اقامت داد . **جاسترو Jastrou** .

Religion of Babylonis and Asyria. **جاکبز Jacobs, Joseph** Barlaam and Josaphat 1896 **جاکسن Jackson, K.** Persia, Past and Present, London 1906. **جامبو دوییا Jambu-Devipa** . نام سرزمین هند در متون باستانی سانسکریت .

جایا سوال Jayaswal, K. P. دانشمند هند و مقاله وی در Bankipore Express فوریه ۱۹۱۴ درباره نانداها که موربائیها جانشین ایشان شدند .

جونستون Johnston, Reginald. F. کتاب وی : Buddhist India **چاناکیا Chanakya** . یا کائوتیلیا Kautilya برهنم و وزیر معروف چاندراگوبتا از وی کتابی بنام ارتاشاسترا Arthashastra بر جای مانده است که از مهمترین منابع تاریخ تمدن هند قدیم است .

چاندرا بهاگا Chandra Bhaga . نام قدیمی رود چیناب از شعبه های سند و نیز نام شهری در شمال غربی هند به سامبا پسر کرشنا منسوب شده است . **چندرا گوبتا Chandragupta** . نخستین پادشاه از سلسله موربائی هند ۳۰۰ - ۳۲۴ پیش از میلاد . تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۲ ص ۵۴ .

چنگرا گچ Changragach . برهنم خردمند هندی که بایران آمد و زرتشتی شد چنگرا گچنا توسط بهرام پژدو سروده شده است . نگاه کنید **Prof. Jackson, Zoroastra, the Prophet of ancient Iran.**

چیتیا Chaitya . استوپاها در صورتی که دارای خصیصه دینی باشند بدانها چیتیا گفته می شود و طالار چیتیا محلی است که محراب نذورات در آن قرار دارد خرابه های این نوع بناها از قدیم ترین اعصار یافت شده از آن جمله است در استوپاهای سانچی و سارانان نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند جلد

داوسن Dowson .

Classical Dictionary of Hindu Mythology. 1879

داهیانوش Dahyanush . بمعنی آبادی نگاه کنید به

Yast XIII P. 143

درخت بو (انجیر هندی) Be-tree . درخت مقدس در

کیش بودائی .

دساتیر . توسط ملافیروز در سال ۱۸۱۸ در بمبئی به چاپ

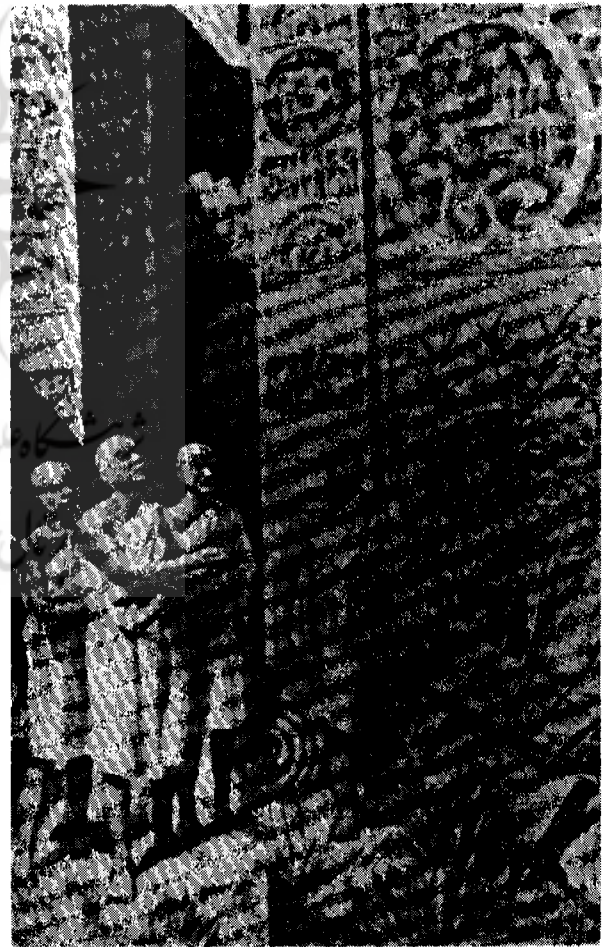
رسید .

دکوردمانش Decaurdemanche . دانشمند سکه شناس

Notes sur les anciennes monnaies de l'inde dite, punch-Marked Coins et sur le systeme de Manou, Journal Asiatique Dixieme Serie Tome XIX 1912.

دوارکا Dwarka . ناحیه‌ای در شمال غربی هند .

زائران چینی که صدها سال پس از آشوکا ویدر بزرگش چاندراگوپتا به هند آمدند و آثار امپراتوران هند بزرگ را دیدند و در سفرنامه‌هایشان در این باره مطالب جالبی نوشتند . این سفرنامه‌ها موجود است و از لحاظ نفوذ فرهنگی و تمدن ایران به شرق دور حائز اهمیت فراوان است



دورواساس Durvasas . روحانی و پارسای جاه‌دانی

معاصر با کرشنا .

دیپاومسا Dipavamsa . یکی از متون کلاسیک هند

Ed. and Trans. by H. Oldenberg, London 1879

رایسون Rapson, E. J.

Coins of the graeco-Indian Sovereigns Oxford 1906.

راجاترنگینی Rajatrrangini . تاریخ کشمیر از کالهانا

Kalhana از متن‌های کلاسیک هند متعلق به قرن هفتم میلادی Troyer's French Translation 1840.

رجسوا Rjisua or Rijrashva . برهمن خردمند که

نامش در ریگ‌ودا ذکر شده است RV I. 116-16 .

راجسویا Rajsuya . هنگام تاجگذاری تدهین و یسا

تندیس شاه مراسمی بسیار باشکوه برپا می‌شد که در آن علاوه بر اشراف و حکمران محلی امرای باجگذار و نمایندگان خارجی نیز شرکت می‌کنند مراسم قربانی راجسویا درین مواقع عملی می‌شد .

راج‌گیرها Rajgriha . شهری بسیار قدیمی نخستین

پایتخت ایالت ماگدها در عصر حکومت اجاتاشتر و Ajatashatru مقارن با عصر زندگی بودا پاتالی پوترا ترقی کرد و چند سالی پس از بودا پایتخت شد .

راجندرالال میترا Rajendralalmitra . از پیشوایان آئین

برهمنی .

راگو Raghv . از پادشاهان افسانه‌ای هند باستان مربوط

به عصر (۱۹۵۰-۲۳۵۰) Ramchandra از سلسله خورشیدی .

وی از بزرگترین پادشاهان اساطیری هند است که سراسر جهان را نیز فتح کرده بوده است بطوریکه سلسله مربوط به خانواده وی پس از بنام راگوانشا Raghuvansha معروف شد .

تاریخ فرهنگ و مردم هند ص ۲۹۳ ج اول .

رامایانا Ramayana . ترجمه انگلیسی W. D. P. Hill,

Oxford 1928 منسوب به رام یکی از معروفترین حماسه‌های هند

است و گوینده آن والمیکی است که در قرن ششم پیش از میلاد آنرا سروده اکنون دو روایت شمالی و جنوبی از آن در دست است این ماجرای زندگی رام و زنش سیتا است که هر دو از خدایان هند اند کتاب شامل ۷ قسمت است که قسمت هفتم آن

جدیدتر از ۶ قسمت نخست است رویهم شامل ۵۰۰۰۰ شعر هیمجائی آریائی بزبان سانسکریت است . داستان رام در یکی

پورانها بنام برهماندا Brahmanda Purana نیز ذکر شده و وی درین جا یک برهمن عالیقدر است نام اختصاصی این کتاب

ادباتما رامایانا Adhyatma Ramayana و مصنف آن بیاس است . حماسه رامایانا به فارسی هم نقل شده و ترجمه منظوم آن

در ۱۸۷۲ در ۹۷۹ صفحه در لکنهو چاپ شده .

رانگا Ranga . رودخانه‌ای در سیستان که در وندیداد

کنید به تاریخ فرهنگ مردم هند (ج ۱ ص ۲۲۹) تاریخ تدوین آنها معلوم نیست و درباره ریگ ودا که از همه قدیمی تر است حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد (مقارن تدوین گانها) تخمین زده می شود. ریگ ودا مجموعه سرودهای مقدس است که توسط يك خانواده مذهبی سروده شده از لحاظ تاریخی و حماسی بسیار ضعیف است.

زائران چینی در تاریخ هند: آئین بودائی بسرعت در چین گسترش یافت و در عصری که منابع تاریخی هند بسیار محدود است سه نفر از زائران چینی بنامهای I-tsing, Huien Tsang, Fa-hien به هند آمدند و از خود سفرنامه هائی بر جای گذاشتند که تمام و کمال موجود است و به انگلیسی هم ترجمه شده است و البته از لحاظ آثار نفوذ فرهنگی ایران در هند برای ما ایرانیان نیز پرارزش می باشد.

زات اسپرم Zat Spram. از متون زرتشتی (پهلوی).

زرتشت نامه: از بهرام پژد
Lirve de Zorastre de Zartusht-i Bahram ben Pajdu, Public et bradint
Por Feredre Razenberg St. Pelershony 1904.

کتابهای مقدس شرق جلد ۳۷.

زنتوم (زن تن) Zantum. بمعنی آبادی.

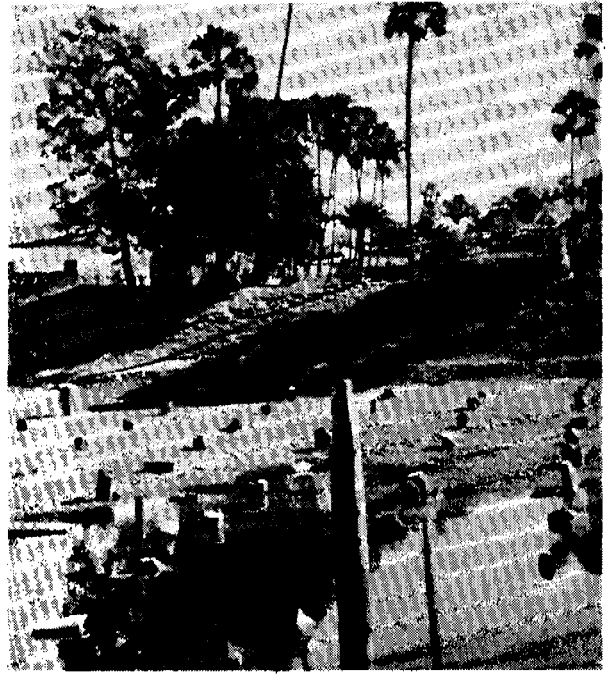
سارنات Saranath. در ۵ میلی شهر بنارس خرابه های عظیم سارنات با موزه اش گسترده شده سارنات مرکز آئین بودائی است بمقیده بودائیان بودا در اینجا مبعوث شد سیصد سال بعد آشوکا درین شهر استوپای عظیمی ساخت با ستونی که سرستون معروف آن اکنون علامت رسمی هند است. این سر ستون در موزه سارنات حفظ می شود ششصد سال بعد زائران چینی از سارنات دیدن کردند و نوشتند که روزانه ۱۵۰۰ نفر در مراسم مذهبی مربوط به بودا شرکت می کنند اکبر شاه بیاد بازدید پدرش ازین شهر برجی آجری بر روی بزرگترین استوپای آن بنا کرد نگاه کنید به ص ۳۷۳ INDIA, Fodor. 1970.

سامبا Samba. پسر کرشنا و جامباواتی Jambavati. تاریخ فرهنگ و مردم هند ج ۲ ص ۴۴۷ درباره کرشنا و سامبا. سانکیا Sankhya. رشته ای از علوم در هند قدیم نگاه کنید به ارتاشاسترای چانکیا.

سایانا Sayana. مفسر ریگ ودا.

سکه های فشاری Punch Marked Coins. نخستین سکه

در هند سکه های بودائی Buddha Sutra یا قدیمی Purana که نقره ای بود این سکه ای کاملاً هندی و در حدود قرن ششم و هفتم پیش از میلاد معمول شد ولی سکه را هندیان از ایرانیان یاد گرفتند و در میان تمام قلمرو ایران (عصر داریوش) فقط هندیان طلا می دادند (بصورت خاکه) بقیه نقره نگاه کنید: سر ارل کایننگهام Coins Ancient India بنارس ۱۹۶۳.



آثار تالار بزرگ موربائیها که در پاتالی پوترا کشف شده است

ذکر شده.

راشو Rasho در وداها وبعقیده دکتر ویندشمن همان رود سند است.

راولینسن Rawlinson, Sir Henry. روابط هندو جهان غرب Intercourse between India and the Western World. Cambridge, 1916. و نیز تاریخ هردوت:

Rawlinson's Heredotus.

رنل رنل Rennell, James

Memoir of a Map of Hindoostan, 1888.

ریس Rice, B. L.

Mysore and Coorg from Inscription. London 1909

ریشی Rishi. از ریشه ریش بمعنی دیدن آمده است بمعنی عابد، حکیم، مقدس، دانشمند، روحانی، شاعر مذهبی و یا پیامبر است در ادبیات و اساطیر هند ریشی ها گروه خاصی هستند که نه در گروه انسان جا دارند نه در گروه ایزدان در کتاب برهمن ها کتاب مقدس هند و مهابهاراتا نام هفت ریشی بزرگ ذکر شده است این هفت ریشی با همکاری سهریشی دیگر طبق یکی از روایات مذهبی هند و به دستور راما مأمور آفرینش شدند.

رینو Reinaud, Pere. دانشمند فرانسوی در قرن

نوزدهم.

ریگ ودا Rigveda. مجموعه ادبیات ودائی خود حاوی

چهار مجموعه است که همه بنام کلی ودا (بید) خوانده می شود Rigveda, Samaveda, Yajurveda, Atharva-Veda نگاه

David Shed and Anthony Troyer, London 1843.

فاهین Fahien. زائر چینی که در قرن پنجم میلادی به هند آمد وی مانند دو زائر دیگر در هند ماند - زبانهای هندی را آموخت و سفرنامه‌اش از لحاظ تاریخ هند میانه پر ارزش است و تحت عنوان Record of Buddhistic Kingdom توسط Dr. James Leyg. به انگلیسی ترجمه شده است که حاوی شرح مسافرت‌های فاهین در هند و سیلان است (۴۰۴ - ۳۹۹ میلادی) چاپ ۱۸۸۶ .

فرانکلین ویلیام Francklin, William. Inquiry concerning the site of ancient Pataliputra (1817)

فرزدان Farzdan. دریاچه‌ای که پسر زرتشت هوشیدر در کنار آن تولد می‌یابد. نگاه کنید به West: Sacred Books of the East P. 220-221 Vol. XXXI

فرشته . ملامحمد قاسم هندوشاه . تاریخ فرشته نولکشور ۱۲۸۱ .

فرگوسن Furguson, James. تاریخ معماری هند و شرق زمین A History of Indian and Eastern Architecture revised by J. Burjess 1910 London.

Cave Temple of India, 1880, London. وینز

فسن بل Fausboll, V. میتولوژی هند INDIAN Mythology.

فلیت دکتر Fleet, Dr. مجله آسیائی سلطنتی Sakastan 1932. ۱۹۰۷

فوشر Foucher, A. The Beginning of Buddhist Art. پاریس ۱۹۱۷ .

قندهار مکتب هنری Ganhara. و نیز نام گروهی از هندیان باستانی که از غرب آمده وبعقیده هردوت مانند سغدی‌ها و باختری‌ها لباس می‌پوشیدند و همان سلاحها را بکار می‌بردند و در ارتش خشایارشا نیز گروهی ازیشان شرکت داشتند . هردوت کتاب سوم .

کاپیلا Kapila. روحانی دانش‌پژوه که در نواحی شمالی هند ساکن بوده است (درعصر اساطیری هند) .

کاپیلاواستو Kapilvastu. در نواحی شمالی جلگه مرکزی و دامنه‌های هیمالیا مولد بودا .

کاتاسریت ساگارا Kathasartsagara. آزمون کلاسیک سانسکریت .

کارانا Karana ازقبایل خارج ازکاست درهند باستان.

کارشپیت Karshipt. پرنده‌ای که در وندیداد از آن سخن گفته شده ودرسرزمین جمشید (پیما) به‌تعلیم دیانت سرگرم‌است.

کارگات Khareghat. P. M. دانشمندان پاریسی (۱۹۴۳ - ۱۸۶۶) نگاه کنید به یادنامه کارگات بمبئی ۱۹۵۸ .

سن Son. از شعبه‌های معروف رود گنگ است که در ابالت بهار به گنگ می‌پیوندد .

سندھو Sindhu. نام رودخانه سند در سانسکریت که ایرانیان بدان هند گفتند و کم‌کم سرزمین هند را بدین نام خواندند .

سوترا Sutra. از ارکان فلسفه هند که خود دارای شش مکتب جداگانه است . نگاه کنید به ج ۲ تاریخ فرهنگ و مردم هند و نیز متنی است منسوب به پانی‌نی .

سوراج . پادشاه هند که در عهد وی بت‌پرستی در هند رایج شد . فرشته ص ۱۱ چاپ نولکشور .

سوریا Surya. رب‌النوع خورشید . ازخدایان هندکه پیروان وی Sauras خوانده می‌شود نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۲ ص ۴۶۵ .

سونگا Sunga. سلاطین برهمنی جانشین سلسله موریائی. شاترجی Chaterji P. M. دانشمند هند و نویسنده مقاله‌ای تحقیقی درباره اسامی قدیمی ایران در ریگ‌ودا .

ایران لیگ ژانویه ۱۹۴۵ .

شاکا Saka. نام درخت سرو در زبانهای قدیم هند .

مذهب شکتا و روش تانتریک The Tantric System & the Saka Cult. نگاه کنید به کتاب Jastrou دین در بابل و آشور .

شاکیا Sakiya. اقوامی ساکن نواحی شمال و شمال غربی هند .

شاکادویپا Saka-Dvipa. سرزمین شاکاها (سکاها که اصلاً آریائی و ایرانی بودند و این سرزمین نیز در میان ایران و هند قرار داشت) .

شاکاها Shakas. اقوام ساکن شمال غربی هند که آریائی و نامشان نیز ایرانی است .

شکندگومنیک و بیجار . متن پهلوی :

Drs. Hushang and West's Pazand Sanskrit Text 1887

شهبازگری Shahbazgarhi. در کنار رودخانه مکام نزدیک قصبه مردان مرکز بلوک یوسفزائی در استان پیشاور پاکستان در دامنه کوهی که نزدیک این قصبه است بفاصله ۸۰ پا از دامنه کوه آشوکا ۱۴ کتیبه نویسانده است همه به خط خاراشرتی .

شوگرا Sukra. نام ستاره زهره در هند باستان .

شیرمیسن دکتر کارل Schirmeison, Dr. Karl مقاله وی در مجله آسیائی انگلستان سال ۱۹۱۰ ص ۱۱۸ درباره ریگ‌ودا و نقش ایرانیان برتکوین این کتابها .

علامی ابوالفضل ، آئین اکبری ، چاپ نولکشور ۱۸۸۲

ترجمه بلوخمان به انگلیسی با شرح حال مصنف و اسما و اعلام .

فانی محسن . دبستان المذاهب ترجمه به انگلیسی :

کیت و ماکدونالد Vedic Index. Macdonald & Keith
 کین پروفیسور A. V. Kane. دانشمند معروف ہندشناس
 مقیم پونہ کہ در سال ۱۹۷۲ در سن نود سالگی فوت کرد .
 کین کارا Kinkara . یا پاکشاساها از اقوام باستانی ہند .
 گارودا Garuda . مرغ افسانہ ای (سیمرغ) کہ سامبا را
 با خود حمل کرد مشابہت داستان سامبا توسط این مرغ و زال
 توسط رستم کہ ہردو نیز دارای نقص بدنی بودند .
 گارودامانا Garo-demana . بہشت ایرانیان : فروردین
 یشت و یشت ۱۳ شماره ۷۱ .

گجستک . بمعنی ملعون لقب اسکندر مقدونی است دکتر
 مودی Gasashta ثبت کردہ است .

گرون ودل Grunwedel, A. Buddhist Art in India, London, 1901.

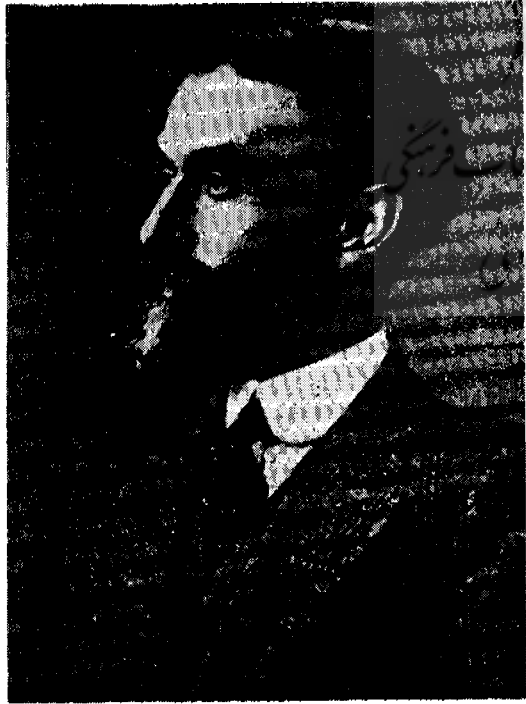
گارودا Garuda . ارابہ مخصوص خدایان شامبا از
 گارودای کرشنا استفادہ کرد .

گارونمانم Garo-Nimanem . نشیمنگاہ آہورامزدا
 وندیاد فرد کرد نهم شماره ۲ .

گایا Gaya . ناحیہ ای در شمال ہند باستان .

گایاسورا Gayasura . افسانہ ای محلی دربارہ پیروزی
 آئین برہما بر آئین بودا پس از گسترش بودائی .

رائان ناتار باری و سرمایہ دار معروف ہند کہ برای کشف آثار گرانقدر
 امپراتوران موریائی دریاتالی پوترا اعانہ ای سنگین پرداخت و یاداش
 وی کشف اثرات فرهنگی ایران بر ہند باستان بود



کاست Caste . طبقہ اجتماعی کہ در ہند از زمان آریائی ہا
 برقرار شدہ و دارای استحکام بسیار است .

کالہانا Kalhana . مؤلف راجترانگینی یا تاریخ قدیم
 کشمیر .

کالیوانا Kalayavana . از پادشاہان اساطیری ہند کہ
 در نواحی شمال غربی سلطنت داشت .

کالیداس Kalidas . اثر معروفش بہ سانسکریت
 Raghuvansha .

کالینگا Kalinga . سرزمین ، در شمال شرقی دکن کہ
 امروز اریسا نامیدہ می شود .

کامبوچہا Kambojas . اقوام ساکن شمال غربی ہند .
 کاندآگیری Khamdagiri . ناحیہ ای در اریسا کہ

غارہای مقدس کندہ کاری شدہ فرقہ جین در آن یافت می شود .
 کرسانی Keresani . یک خارجی مقتدر کہ نامش در

ہمایشت آمدہ است و بعقیدہ دکتر میلز ہمان کریشنا ہندوہاست
 Dr. Mills کتابہای مقدس شرق ج ۳۱ صفحہ ۲۳۷ .

کسورای Kesurai . پادشاہ ہند معاصر منوچہر پادشاہ
 ایران نگاہ کنید بہ تاریخ فرشتہ .

کلارک Clarke, Major . مقالہ وی دربارہ مرو در
 دائرۃ المعارف بریتانیکا .

کلیسیا کا Klisiaka . مشتق از کلیسا و در قرون وسطی
 تاریخ ایران بعنوان دشمن عام آئین زرتشتی بکار می رفت .

کندی Kenedy, J. . در طی مقالہ مشروح خود ایران
 را وسیلہ گسترش و نفوذ معماری آسیای غربی در ہند دانست

و این مقدمہ ای شد برای ارائه کردن این مطلب یعنی نفوذ
 معماری و ہنر ایران در ہند باستان مجلہ سلطنتی آسیائی اوایل

سال ۱۸۹۸ ص ۲۸۳ ، تحت عنوان The Early Commerce
 of Babylon with India 700-300 B.C.

کنوج Kanauj . در حدود قرن سوم میلادی پایتخت پادشاہان
 سلسلہ ماٹوآخاری Maukhari از جملہ اوآنتی و رمان بودہ است

Avanty-Varman . نگاہ کنید بہ تاریخ و فرهنگ مردم ہند
 ج ۲ ص ۹۹ .

کورچا Kurcha . سدرہ یا پیرہن مقدس پارسیان .
 کوسمپور Kusampur . نام قدیمی شہر پاتالی پوترا
 بمعنی شہر گل .

کومبراہار Kumbrahar . آبادی در نزدیک پتنا در
 ایالت بہار کہ خرابہ های پاتالی پوترا پایتخت باستانی ہند

در کنارش قرار دارد .

کیت Keith, A.B. Religion and Philosophy of the Vedas and Upnishads,
 1925. Cambridge Manss.

و مقالہ وی در مجلہ آسیائی سلطنتی - ۱۸۹۸ .

دکتر گری Gray, Dr. Louis, H. مقاله وی
Maongha Gaochitra Spiegel Memorial Vol. Ed. By
J. J. Modi, P. 160-168

گلدستوکر Goldsticker. ناشر ومصحح کتاب:
Manavkal Pasutra.

گوپتا (سلسله پادشاهی) Guptas. در سال ۳۲۰ میلادی
در شمال هند امپراتوری گوپتا توسط چاندرا گوپتا اول
پی‌ریزی شد و این سلسله تا ۵۶۹ حکومت داشت و یکی از
درخشانترین ادوار تاریخ هند را بوجود آورد. گوپتاها در
غرب با ساسانیان همسایه بودند و روابطی میان دو سلسله معروف
وجود داشت.

گوراموکھا Gauramukha. (سفید چهره) پادشاه
ماتهورا بود که به سامباکمک کرد تا وی از لک وپیس پاک شود.
گوھیاکاها Guhyakas. از اقوام قدیمی هند که ازیشان
در مهابهارت سخن رفته است.

گیرنار Girnar. ناحیه‌ای است در شبه جزیره کاتیاوار
در مغرب هند که چند سنگنوشته آشوکا در آن یافته شده است.
لاسن (آلمانی) Lassen. کتاب وی

Die alt Persischem Keilenschugtem von Perspoles.
1836.

لو Lau N.N.

Studies in ancient Hindu Polity, Longmen 1914.

و نیز Inter State Relation in Ancient India. Calcutta,
1920.

لوکایاتا Lokayata. بمعنی شرک در ادبیات سانسکریت
باستان.

لومبینی (باغ) Lumbini. نقطه‌ای که در مرز جنوبی
نیال نزدیک هند (۶ کیلومتری) نزدیک پادرا محل اصلی
تولد بودا.

لیچاویها Lichhavis. از اقوام آریائی شمال هند، در
قرن ششم پیش از میلاد در شمال هند اتحادیه‌ای از هشت خاندان
بزرگ آریائی وجود داشت که لیچاویها و واجیسیها Vajjis
از آن بودند نام این دولت موثقه نیز از نام واجیسیها اقتباس
شده است.

The Vrijian (Vajjian) Confederacy.

لی‌تسای Li-tsa-byi. نخستین سلسله پادشاهی تبت.
مارا Mara. مشخص افعال زشت و گناه (اهرمن) در
آئین هندو.

مارشال Marshal, Dr. Sir John. باستانشناس و رئیس
باستانشناسی هند از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۲ درباره باستانشناسی
هند تحقیقات بسیار کرده است و بر اساس این تحقیقات نفوذ
خارق‌العاده فرهنگ و تمدن هخامنشی بر موریاثیهای هند را
ثابت کرده است.

مارگو Margu. نام مرو در سنگنوشته‌ای هخامنشی.
ماکس مولر Max Muller, F. هندشناس و دانشمند
بزرگ آلمانی.

Six Systeme of Indian Philosophy, London, 1889.

ماگدا Magadha. به طبعه کشاتریا (اشراف و جنگجویان)
در نواحی هخامنشی هند قدیم ماگدا که شاید از مغز اشتقاق یافته
باشد خطاب می‌شد.

ماگنا Magatha. در نواحی شمال غربی امپراتور هند
باستان نزدیک به ایران به طبعه جنگجو ماگنا که شاید از مغز
گرفته شده باشد خطاب می‌شود.

ماگداها Magdaha. کشوری بسیار قدیمی در مشرق
جلگه بزرگ هند شامل قسمتی از بنگال و ایالت بهار کنونی
نخست پایتخت آن زاجر گیره بود و سپس پاتالی پوترا پایتخت شد.
مالچاها Malechha. اقوام ساکن نواحی غربی و شمال
غربی هند.

ماندالا Mandala. یک فرضیه اجتماعی و سیاسی است
درباره روابط بین کشورهای تابعه امپراتوری، نگاه کنید به ص
۳۱۴ ج ۲ تاریخ و فرهنگ مردم هند.

مانوسامیتا Manusamhita. از متون معروف سانسکریت
نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ در هند ج ۲ ص ۱۹۴.

منو اسمریتی Manu Smriti. مانو بمعنی منفکر،
انسان نخستین، خدا و... مانو اسمریتی از قانونگذاران هند
باستان است که کتاب آرتا شاسترا بوی منسوب است. اسمریتی‌های
دیگری نیز بوده اند که عصر زندگی ایشان از قرن نخست تا ششم
پیش از میلاد تخمین زده می‌شود تاریخ مردم و فرهنگ هند
ج ۲ ص ۳۳۵ و ۲۵۷.

مایا Maya. لقب یکی از خدایان (الهه لکشمی) که
بمعنی عشق و قدرت الهی نیز هست.

مولتون دکتر Moulton Dr. J. H. دانشمند انگلیسی
نویسنده مقاله هند زرتشتی در تأیید نظرات دکتر اسپونر:
Zoroastrian Period in Indian History, Journal of the
Iranian Association Vol. V No., 7 P. 261-276.

مجموعه مقالات آسیائی مودی J.J. Asiatic Papers.
Modi در چهار جلد چاپ بمبئی جلد دوم حاوی مقاله پاتالی
پوترا چاپ ۱۹۱۷ بمبئی.

مجموعه مقالات مردم شناسی Anthropological Papers.
در چهار جلد چاپ بمبئی ۱۹۲۹ - ۱۹۱۱.

مجله انجمن ایرانی The Journal of Iranian
Association. فقط چند دوره از آن در بمبئی منتشر شده است.
و اولین شماره در آوریل ۱۹۱۲.

مرو Merv, Meru, Maur. اشکال مختلف نام مرو که
در انساکلپدی بریتانیکا ج ۱۸ ضبط شده است.

مرباه Meryah. اصطلاح مخصوص برای قربان کردن انسان .

ملک کریندل Mac Crindle, J. W.

The Invasion of India by Alexander the Great as described by Arrian, Q. Curtius, Diodoras, Plutarch and Justin, New Ed. Westminster, 1896.

مگاستنیس Megasthenes. سفیر سلوکوس در دربار چاندراگوپتا و سفرنامه وی درباره موریاییهای هند. این سفرنامه مفقود شده اما بعضی قسمتهای آن در کتابهای دیگر نقل شده است، نگاه کنید به ص ۶۰ ج اول تاریخ فرهنگ و مردم هند، منابع .

ملچاها Melechas. یا نیشاداها Nishadas قومی بودند که از ازدواج پدری برهمن و مادری طبته پائین بوجود آمدند و نژادی مخلوط در آریاها و غیر آریاها بودند .

ملچاپرایاجاناپادا Melechaprayanapadah. سرزمین ملچاها که گروهی غیر هندی بودند .

موتسو ترا هسی Mu-tso-tra-he-si. خردمند بزرگ تبتی و روحانی بودائی که اصالة ایرانی بوده است، نگاه کنید به : Indian Antiquary Vol. XXXVII, March 1908. P. 80.

مودرا کشاسا Mudrakashasa. مجموعه ای از متون سانسکریت .

مورا Mura. نام مادر چاندراگوپتا نخستین امپراتور موریایی هند .

مورای مارگارت Murry, Margaret. مقاله وی در مجله Royal Marriages and Matrimonial descent در مجله Journal of Anthropological Institute of England, July-December 1915.

موروا Maurva. نام مرد در اوستا .

موریا Maurya. نام سلسله معروف هند باستان (۱۸۷-۳۳۳) نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۲ ص ۵۴ و مقاله اینجانب در یادنامه کوروش بمبئی Ashoka the Messiah of India or Cyrus of the East. زیر نویس شماره ۳ .

مونصحرأ Monsahra. مرکز بلوک هزاره در شمال غربی پاکستان در پنجانیز آشوکا کتیبه هائی چند بخط خاراشتی نویسانده است .

مهابهارت : مجموعه ای از داستانهای کهن که به شخصی به نام ویاسا Viasa منسوب است و مخزنی است سرشار از افسانه ها سنن و مطالب مربوط به زندگی آریانها . تکامل کتاب در قرنهای نخستین میلادی انجام شده اما آغاز کار معلوم نیست متن اصلی که داستانهای دیگر بدورش تنیده شده مربوط است به جنگهای جانشینی که میان دو گروه عموزاده کائوروها Kaurvas و پنداواها Pandavas درگیری شود - مهابهارت از دوجزو ترکیب شده بهارت جنگ اقوام بهرت (هندوان) و رنا بمعنی



دکتر جمشید جی جیوانجی مدی

بزرگ (داستان بزرگ جنگ اقوام بهرت) Mahabharata از اقوام بهرت در ریگ ودا نام برده شده است و در سرزمینی در حوزه علیای رود گنگ و جمنا زندگی می کرده اند و معروفترین پادشاه ایشان کورو Kuru نام داشت که کشورش را بنام وی کورو کشترا خواندند .

مهایانا (طریقه بزرگ) Mahayana. در برابر هینایانا Hinayana (طریقه کوچک) در مذهب بودائی مهایانا را مکتب جدید نیز گویند در برابر هینایانا که طریقه قدیم یا گردونه کوچک نامیده شود .

مهرشوارا Mihreshwara. معبدی معروف در شهر مهراپور که توسط پادشاهی بنام مهرکلا ساخته شد .

مهرکلا Mihircula. در تاریخ قدیم کشمیر راجترانگینی نام ۵۲ پادشاه گمنام آمده است که مهرکلا نیز از آن جمله است با احتمال قوی این نام ایرانی است . نگاه کنید به مقاله ویلسن

در مجله تحقیقات آسیائی ج ۱۵ ص ۱۱۹ - ۱ .

مهندرا (شاهزاده) Mahendra. یکی از سه پسر امپراتور آشوکاست که نامش با دو برادر دیگرش Jashauka, Kunala در روایات برجای مانده در کتیبه ها فقط نام یک پسر وی Tivara ذکر شده است .

میترا و میتراوانا (Mitravana) Mitra. عبادتگاه سامبا پسر کرشنا در شمال غربی هند .

میتریا بودیساتوا Maitreya Bodhissattuda. یک

وجود آسمانی و معنوی در آئین بودا .

ناردا Narada . خردمند و پارسای جاودانی هند معاصر باکرشنا .

ناندا Nanda . خاندان سلطنتی هند پیش از سلسله موریائی (معاصر با آخرین پادشاهان هخامنشی ایران) .

ناواناندا Nava Nanda . نانداهای نوین یا موریائیا .

نامانا (اوستائی) Namana . یعنی خانه .

نیک سوپها Nikusubha . دختر رجبوا نام دیگرش هاوانی منسوب به قبیله‌ای از مهرپرستان هند . RV I. 116-16

نیروانا Nirvana . تشریح نیروانا که یک حالت یا وضع خاص فلسفی است مشکل و عملاً غیرممکن بنظر می‌رسد زیرا

توصیف یک حالت مربوط به وضعی نامحدود با کلمات و دانستنیهای محدود ما کامل و شامل نخواهد بود نیروانا یا نیهانا Nibhana

یعنی آخرین مرحله افکار و خواستهای بشری برای تولد مجدد در مجموعه اریاپاریسانا Aryapariyerana-Sutta نیروانا

یعنی حالتی که فساد بیماری و مرگ بدان راه ندارد ، از بند غم و ناپاکی آزاد است و اوج و کمال وجود است . تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۲ ص ۳۷۲ .

نیسیبی (نسایه) Nisibis . ناحیه‌ای بوده است در نزدیکی هرات که در برخی متون سانسکریت ذکر شده است .

واچارچا Vacharcha . بمعنی مهرپرست .

وادل Waddel, Dr. L. A. دانشمند نخستین انگلیسی

کسی بود که در پاتالیپوترا به حفاریات پرداخت و گزارش وی

در تحت عنوان :

Annual Reports of the Archaeological Survey, Eastern Circle 1903. Report on the Excavation of Pataliputra, Discovery of the Exact Site of Asoka's of Pat 1892.

وارتا . بمعنی کشاورز می‌باشد و هنر بطور کلی نیمبخش

از کتاب ارتاشاسترای چانکیا . نگاه کنید به ص ۳۰۳ ج ۲ تاریخ و فرهنگ مردم هند .

وارونا Varuna . ازخدایان آئین هندو که تصور می‌شود

نامش از اورانوس یونانی بمعنی آسمان گرفته شده باشد در ریگ ودا از آن نام برده شده و سرودهایی مختصر بدان منسوب

است نگاه کنید به تاریخ و فرهنگ مردم هند ج ۱ ص ۲۲۴ و ص ۳۶۸ .

وایسیشتا Vasishtha . روحانی و پارسای جاودانی

معاصر باکرشنا .

ویبر Weber, A. محقق اروپائی که درباره وداها

و عصر ودائی مطالعات گرانقدر دارد (مطالعات هندشناسی به آلمانی) Uber das Ramayana, Berlin 1870.

وراتیاکساتریا Vratya-Kstriya . نیمه اول بمعنی خارجی

است و کساتریا یا کساتریا بمعنی شاهزاده ، طبقه اول در هند قدیم بسدین نام خوانده می‌شدند - این کلمه مرکب یعنی

شاهزادگان خارج از کاست .

وسالی Vasali . از قدیمی‌ترین شهرهای هند باستان

سکه‌های فشاری هند که نخستین سکه هند بوده‌اند و مظهری از نفوذ تمدن ایران بر هند باستان شمرده می‌شوند

